

# روایت آمارها از تنگنای معیشت

رشد ۶۴ درصدی قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، بحران منطقه‌ای و تحریم‌ها فشار تورمی را به مرز خطرناک رسانده است



در حالی که اقتصاد ایران پس از سال‌ها کاهش نسبی تورم در مسیر ثبات قرار گرفته بود، نشانه‌های تازه‌ای از بازگشت شتابان تورم خودنمایی می‌کند. گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد تورم سالانه مهرماه ۱۴۰۴ به ۳۸.۹ درصد رسیده و فاصله‌ای اندک با مرز خطرناک ابرتورم دارد. قیمت خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها با رشد ۶۴.۳ درصدی، بیشترین فشار را بر سفره خانوارها وارد کرده و کالاهای اساسی دیگر نیز در کانال‌های بالا حرکت می‌کنند. این روند افزایشی در حالی شکل گرفته که پیش‌تر شیب تورم رو به کاهش بود و امیدها به کنترل آن قوت گرفته بود، اما بحران‌های منطقه‌ای، جنگ ۱۲ روزه، تشدید تحریم‌ها و فعال‌سازی مکانیسم ماشه، دوباره اقتصاد را در معرض نوسانات شدید قیمتی قرار داده‌اند. شواهد حاکی است که اقتصاد ایران در مسیر دشواری قرار گرفته و اگر سیاست‌های قاطع و هماهنگ اتخاذ نشود، احتمال عبور تورم از مرز ۴۰ درصد در ماه‌های آینده بسیار جدی خواهد بود.

## تورم ماهانه شتاب گرفت

با اینکه تورم ۴۰.۲ درصدی سال ۱۴۰۰ رکورد تورم ربع قرن اخیر را شکست اما به تدریج در سال ۱۴۰۴ نیز به این عدد نزدیک می‌شویم. مروری بر تورم چهار سال گذشته نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۰ نرخ تورم سالانه ۴۰.۲ درصد، ۱۴۰۱ معادل ۴۵/۸ درصد، ۱۴۰۲ میزان ۴۰.۷ درصد و ۱۴۰۳ معادل ۳۲/۵ درصد بوده است. مهرماه ۱۴۰۴ نیز این عدد ۳۸/۹ درصد بوده، اما سرعت رشد ماهانه تورم به قدری افزایش یافته که به احتمال قریب به یقین عبور تورم سالانه از مرز ۴۰ درصد در ماه‌های آینده رخ خواهد داد. تورم ماهانه فقط در دو ماه گذشته به ترتیب ۳/۸ درصد و ۵ درصد بود.

## کسی تورم را گردن نمی‌گیرد

در شرایطی که تورم دوباره شتاب گرفته، مسئولیت کنترل آن میان نهادهای اقتصادی به نقطه‌ای مبهم رسیده است. وزیر اقتصاد، علی‌مدنی‌زاده، صراحتاً مسئولیت سیاست‌های ارزی و کنترل تورم را متوجه بانک مرکزی می‌داند و تصریح کرده که خود پاسخگوی تصمیمات این نهاد نیست. این اظهارات، شائبه اختلاف نظر میان دو رکن مهم سیاست‌گذاری اقتصادی را در ذهن‌ها پررنگ کرده است. تجربه تاریخی اقتصاد ایران نشان می‌دهد در دوره‌های تورم‌زمن و انتظارات ناپایدار، چنین اختلاف‌هایی میان

وزرا و روسای بانک مرکزی طبیعی است و گاه بر روند بازار و اعتماد عمومی اثر می‌گذارد. با این حال، آنچه اکنون برای شهروندان اهمیت حیاتی دارد، نه‌منازعات نهادهای، بلکه اقدام‌های عملی و هماهنگ در سطح داخلی و بین‌المللی برای مهار تورم و حفاظت از قدرت خرید مردم است، تا اقتصاد از مسیر ناپایدار قیمتی خارج و ثبات نسبی به زندگی روزمره بازگردد.

## ۵ موتور تورمی ایران

تورم در ایران تنها محصول سیاست‌های پولی نیست؛ اقتصاد کشور همزمان با پنج موتور تورمی کلیدی دست و پنجه نرم می‌کند: افزایش تقاضا، کاهش عرضه، هزینه‌های تولید، سیاست‌های پولی و انتظارات تورمی. هر یک از این عوامل، فشار مضاعفی بر قیمت کالاهای و خدمات وارد می‌کند و همزمانی آن‌ها شرایط را پیچیده‌تر ساخته است. محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی، با اشاره به روند تورم نقطه به نقطه از پایان سال ۱۴۰۱ تا آذر ۱۴۰۳ می‌گوید: این شاخص از ۶۳.۲ درصد به ۳۳.۸ درصد و تورم سالانه از ۵۴.۵ درصد به ۳۶ درصد کاهش یافته بود، اما از آذر سال گذشته با جهش نرخ ارز در مرکز مبادله ایران از ۴۵ هزار تومان به ۷۰ هزار تومان، دوباره روند صعودی به خود گرفت. فرزین افزایش تورم کنونی را ناشی از نااطمینانی‌های پس از جنگ، تشدید انتظارات تورمی و آثار پولی تأمین کسری بودجه دولت می‌داند، تا جایی که نرخ تورم سالانه اکنون ۳۸.۹ درصد گزارش شده است.

## جنگ و تحریم عامل رشد قیمت‌ها

در آغاز فعالیت دولت جدید، اقتصاد ایران با چالش‌های جدی مواجه شد که وزیر اقتصاد، علی‌مدنی‌زاده، آن را متأثر از جنگ، ترور و فضای ناامن سیاسی می‌داند. او تأکید می‌کند که این عوامل، همراه با فشار تحریم‌ها، نه‌تنها بازار سرمایه و بازار پول را دچار آشفتگی کرده بلکه نرخ سود را افزایش داده و ظرفیت سرمایه‌گذاری مؤثر را کاهش داده است. پیامد این وضعیت کاهش رشد اقتصادی و محدود شدن فرصت‌های تولیدی است که به وضوح بر معیشت خانوارها اثرگذار شده است. بخش تولید یکی از حوزه‌هایی است که به شدت از این بی‌ثباتی‌ها و تورم تأثیر می‌پذیرد و خود نیز در ایجاد تورم نقش دارد. افزایش قیمت مواد اولیه، دستمزد کارگران، انرژی و سایر هزینه‌های مرتبط با تولید، فشار مالی مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد می‌کند و معمولاً

## رشد صنعتی و کاهش اشتغال

گزارش مهرماه ۱۴۰۴ شاخص مدیران خرید (شامخ) نشان می‌دهد بخش صنعت ایران با ترکیبی از رشد تولید و کاهش اشتغال مواجه است. شاخص بخش صنعت به ۵۳.۴ رسید که بالاترین سطح در ۲۰ ماه اخیر است و افزایش نسبی تولید صنعتی را نشان می‌دهد، اما شاخص کل اقتصاد همچنان زیر سطح خنثی مانده و ضعف در فعالیت‌های غیرصنعتی ادامه دارد. سفارشات جدید مشتریان در صنعت افزایش یافته، اما کاهش متوالی سفارشات در کل اقتصاد طی ۲۰ ماه گذشته ادامه دارد و این روند می‌تواند انتظارات تورمی در

هزینه‌ها، تورم تولیدکننده می‌تواند در سطحی معقول تثبیت شود.

آنچه واضح است، آینده تورم تولیدکننده در بخش صنعت نه‌تنها به هزینه‌های تولید و نوسانات قیمت مواد اولیه وابسته است، بلکه به وضعیت اقتصادی کل کشور، متغیرهای سیاسی و تغییرات جهانی نیز ارتباط مستقیم دارد. این شرایط پیچیده، ضرورت برنامه‌ریزی دقیق و اتخاذ سیاست‌های هماهنگ برای مهار تورم و حفظ ثبات اقتصادی را بیش از پیش روشن می‌سازد.

## سایه سنگین اسنپ‌ک

اقتصاد ایران در نیمه دوم سال ۱۴۰۴ با چالشی جدی به نام اجرای «اسنپ‌ک» مواجه است؛ پدیده‌ای که محمدتقی فیاضی، تحلیلگر اقتصاد کلان، آن را نقطه عطفی برای تغییر مسیر اقتصاد کشور می‌داند. وابستگی شدید ایران به درآمد‌های ارزی ناشی از صادرات نفت سبب شده تا هر شوک خارجی، پیامدهای گسترده‌ای بر رشد اقتصادی و جریان نقدینگی داخلی داشته باشد. فیاضی تأکید می‌کند که اقدام سه کشور اروپایی در بازگرداندن تحریم‌ها، عمده‌تأ کاهش درآمد‌های ارزی ایران را به دنبال دارد و این امر نه‌تنها رشد بخش نفت را محدود می‌کند، بلکه به دلیل عدم سرریز ارز به سایر بخش‌های اقتصادی، اثرات منفی خود را بر رشد کل اقتصاد نیز تحمیل می‌کند. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی سال جاری در محدوده منفی یک تا دو درصد قرار گیرد و شرایط فعالیت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری بیش از پیش دشوار شود.

اما اثرات اسنپ‌ک تنها به رشد اقتصادی محدود نمی‌شود؛ فیاضی بر اهمیت افزایش انتظارات تورمی نیز تأکید دارد. افزایش نرخ ارز و قیمت طلا در ماه‌های اخیر، نشانه‌ای از این فشارهاست که می‌تواند سطح تورم کنونی حدود ۴۵ درصد را تا مرز ۵۵ درصد افزایش دهد. اگر سیاست‌های انضباطی و اقدامات هماهنگ اقتصادی اتخاذ نشود، انتظار می‌رود تا پایان سال نرخ تورم در بازه ۵۰ تا ۶۰ درصد قرار گیرد.

به این ترتیب، اقتصاد ایران وارد مرحله‌ای حساس شده است؛ جایی که تصمیم‌های داخلی و واکنش‌های بین‌المللی با هم تاقی می‌کنند و هر تأخیر با سیاست ناکارآمد می‌تواند فشار تورمی و رکود اقتصادی را به شدت تشدید کند. لزوم مدیریت دقیق، هماهنگی میان نهادهای اقتصادی و کنترل انتظارات تورمی، اکنون بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد.

## تغذیه تورم از رشد نقدینگی

اقتصاد ایران در نیمه اول سال جاری با تورمی قابل توجه روبه‌رو بوده که قدرت خرید مردم و فعالیت‌های تولیدی را تحت فشار قرار داده است. علی‌حیات‌نیا، کارشناس اقتصادی، معتقد است هسته سخت این تورم عمدتاً ناشی از انتشار پول و رشد نقدینگی در اقتصاد کشور است. او تأکید می‌کند که برای مهار این فشارها، اصلاح ساختار بودجه‌ریزی اولین گام ضروری است. بودجه باید بر اساس واقعیات درآمد‌ها و هزینه‌ها تدوین شود تا کسری بودجه مداوم و بار مالی نهادهای غیر بهره‌بر اقتصاد کاهش یابد.

حیات‌نیا همچنین بر لزوم اجرای سیاست‌های پولی انقباضی تأکید دارد و معتقد است نرخ بهره بانکی باید به گونه‌ای تنظیم شود که نقدینگی سرگردان به سمت بانک‌ها هدایت و سپس به بخش تولید تزریق شود. این اقدامات می‌توانند روند تورم را مهار کرده و از تشدید فشارها بر خانوارها جلوگیری کنند.

بر اساس تحلیل داده‌های شش ماهه نخست سال، پنج سناریو برای پیش‌بینی تورم نقطه‌به‌نقطه و سالانه تا پایان ۱۴۰۴ بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد کف تورم نقطه‌به‌نقطه در انتهای سال ۴۵.۲ درصد خواهد بود و تورم سالانه کمتر از ۴۳ درصد نخواهد شد. این آمار، هشدار روشنی است از رسیدن سطح تورم در هر دو بخش مصرف و تولید به کانال ۴۰ درصد و احتمال ورود اقتصاد کشور به مارپیچ تورمی.

در مجموع، بدون مداخلات جدی و هماهنگ، اقتصاد ایران در نیمه دوم سال با افزایش فشار قیمتی مواجه خواهد بود و نیازمند سیاست‌گذاری هوشمندانه و انضباط مالی و پولی برای جلوگیری از تشدید تورم است.



فرشید پورحاجت

دیر کانون آنبوه‌سازان

## سقوط سهم مسکن در تولید ناخالص داخلی

صنعت ساختمان، یکی از پیشران‌های کلیدی اقتصاد ایران، درگیر رکودی عمیق و افزایش ۵۰ درصدی قیمت نهادهای ساختمانی شده است. کارشناسان می‌گویند بخشی از این وضعیت حاصل سیاست‌های دولت و مصوبات مجلس است که با افزایش هزینه‌ها و محدود کردن جریان سرمایه، عملاً بخش مسکن را به یکی از کانون‌های رکود اقتصادی تبدیل کرده‌اند. رکود در این بخش صرفاً به بازار ساخت‌وساز محدود نمی‌شود، بلکه به دلیل پیوندهای گسترده‌ای که این صنعت با ۷۸ بخش اقتصادی در پیش و ۵۶ بخش در پس دارد، آثار آن به سرعت به کل اقتصاد سرایت کرده است. صنعت ساختمان از جمله معدود حوزه‌هایی است که به ازای هر شغل مستقیم، حدود ۱.۲ شغل غیرمستقیم ایجاد می‌کند و رکود در آن به معنای تعطیلی زنجیره‌ای از فعالیت‌ها در حوزه‌های مرتبط است.

در حال حاضر، بیش از ۶۰۰ هزار مهندس و یک میلیون کارگر معیشت خود را از این صنعت تأمین می‌کنند. زمانی که بازار مسکن در رونق بود، این بخش ۱۴ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را به خود اختصاص می‌داد، اما اکنون سهم آن به کمتر از پنج درصد رسیده است. این افت به معنای کاهش سرمایه‌گذاری، توقف پروژه‌های ساختمانی و افزایش بیکاری در واحدهای کوچک و متوسط است. بسیاری از شرکت‌های پیمانکاری و سازندگان خد به دلیل افزایش هزینه‌ها و نبود حمایت‌های سیاستی از ادامه فعالیت بازمانده‌اند. رکود ساخت‌وساز همچنین تقاضا برای مصالح، آهن و سیمان را به شدت کاهش داده و صنایع وابسته را تا مرز رکود کامل پیش برده است.

در چنین شرایطی، تورم تولید در این بخش همچنان رو به افزایش است. در حالی که قیمت آپارتمان به دلیل افت قدرت خرید خانوارها ثبات نسبی دارد، شاخص قیمت نهادهای ساختمانی در بهار ۱۴۰۴ به ۴۹.۷ درصد رسیده است؛ رقمی که نشان می‌دهد فشار تورمی در سطح تولید همچنان بالاست و احتمال جهش قیمتی در آینده نزدیک وجود دارد. تولیدکنندگان می‌گویند هزینه‌های تحمیلی دستگاه‌های خدمات‌رسان نظیر شهرداری، سازمان نظام مهندسی و شرکت‌های آب، برق و گاز، بخش قابل توجهی از قیمت تمام‌شده را تشکیل می‌دهد و اکنون به‌طور متوسط حدود ۵ میلیون تومان در هر مترمربع هزینه مضاعف بر سازندگان تحمیل می‌شود. این وضعیت باعث شده بسیاری از پروژه‌ها از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر نباشند و سازندگان ترجیح دهند فعالیت خود را متوقف کنند تا زیان بیشتری متحمل نشوند.

قیمت زمین در کنار تورم نهاده‌ها به عامل اصلی افزایش بهای ساخت مسکن تبدیل شده است. با وجود رکود در بازار آپارتمان، بهای زمین‌های کلنگی همپای تورم رشد کرده و نشانه‌ای از رکود در این بخش دیده نمی‌شود. کارشناسان هشدار می‌دهند در صورت تداوم شرایط فعلی، قیمت مسکن ناگزیر افزایش خواهد یافت. آنان خواستار اصلاح سیاست‌های دولت، کاهش عوارض و تسهیل صدور مجوزها برای کاهش هزینه تولید هستند.

